

## صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف

در شماره قبل، اندکی درباره سیره عالمان شیعی در چگونگی «اصلاح الگوی مصرف» بحث کردیم. در این شماره، صرفه‌جویی و دوری از اسراف را از نگرگاه قرآن و سنت، بررسی می‌کنیم.

### معنای واژگانی اسراف و تبذیر

اسراف در لغت به معنای از حد درگذشتن، زیاده از حد خرج کردن، بیهوده خرج کردن، زیاده‌روی و...<sup>۱</sup> آمده است. تبذیر به مفهوم پراکندن و پخش کردن است و اصل آن از پاشیدن بذر گرفته شده است. به کسی که اموال خود را بیهوده پراکنده و ضایع می‌کند از باب کنایه، مبذّر گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

اسراف و تبذیر به اعتبار متعلق و مصادیق، مفهوم گسترده‌ای پیدا می‌کند و شامل خروج از حد اعتدال در هر کاری و عملی می‌شود. قناعت و صرفه‌جویی به معنای درست و به جا مصرف کردن و ضایع نکردن اموال و نعمت‌های خدادادی است. در نگاه عقل و اسلام، اسراف و زیاده‌روی و ریخت و پاش‌های بی‌حد و حساب، یک عمل نامعقول و نامشروع است. اسراف و تبذیر از نظر اقتصادی نیز محکوم است و چنان‌چه در منطقه‌ای در سطح کلان رخ دهد باعث محرومیت مناطق دیگر خواهد شد و به نسل‌های آینده نیز آسیب وارد می‌کند.

۱ - در قرآن کریم، اسراف و تبذیر از گناهان بزرگ شمرده شده و کفران نعمت تلقی گردیده است، چرا که خداوند متعال در برابر نعمت‌های فراوانی که در اختیار انسان قرار داده شکر آن‌ها را خواستار شده است: «لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید»<sup>۳</sup> اگر شکرگزار نعمت‌ها باشید آن را بر شما می‌افزاییم و اگر کفران کنید عذابی دردناک در انتظارتان است.»

قرآن با آهنگ‌های مختلف، اسراف و تبذیر را در تمام موارد محکوم می‌کند:

گاهی با لحن عاطفی در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌فرماید: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحبّ المسرفین»<sup>۴</sup> بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید، تحقیقاً خداوند متعال مسرفان را دوست نمی‌دارد.»  
زمانی آهنگ قرآن به شکل توبیخ و سرزنش مطرح می‌شود: «بل انتم قوم مسرفون»<sup>۵</sup> منظور قوم لوط است که در مسائل جنسی از حد خارج شده بودند.

در برخی از آیات در توصیف بندگان خدای رحمان می‌فرماید: آنان هنگامی که انفاق کنند نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری و امساک، بلکه طریق اعتدال را می‌پیمایند.

در برخی از آیات لحن تهدیدآمیزی دارد و می‌فرماید: «و ان المسرفین هم اصحاب النار»<sup>۶</sup>

گاهی اسراف در اعمال قدرت را از صفات مستکبران می‌شمارد: «ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین»<sup>۷</sup> علو و برتری‌جویی در زمین، یک نوع اسراف و زیاده‌روی در قدرت است.

قرآن کریم هرگونه تجاوز از حد اعتدال و عقلانیت را اسراف می‌داند و تنها به زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن و یا انفاق و بخشش منحصر نمی‌کند بلکه قتل، آدم‌کشی، انتقام و قصاص، قضاوت و داوری، مدح و انتقاد و گذرانیدن وقت و عمر را نیز در این دایره می‌گنجانند.

در این کتاب آسمانی، برتری‌جویی و زورگویی و بالاخره ارتکاب هرگونه گناه و هنجار شکنی نیز اسراف محسوب می‌شود: «قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله»<sup>۸</sup> آنانی که بر ضد سعادت و سلامت خود زیاده‌روی کرده‌اند از رحمت خدا مأیوس نشوند، چرا که او همه گناهان را می‌بخشد.»

واژه مشابه دیگری را که قرآن در این زمینه به کار برده لغت «تبذیر» است که یک مقدار از اسراف بالاتر است. قرآن می‌فرماید: «و ات ذی القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لا تُبذّر تبذیراً»<sup>۹</sup> حق خویشاوند و مسکین و در راه مانده را عطا کن، ولی بیش از حد ریخت و پاش نکن، چرا که اسراف کاران با شیطان برادرند.<sup>۱۰</sup>

### فرق اسراف و تبذیر

از مجموع آیات و احادیث و مفاهیم لغوی به دست می‌آید که «اسراف» به معنای خارج شدن از حد اعتدال در مصرف و انفاق است، بی‌آن‌که چیزی را ضایع کرده باشند؛ مانند خریدن ماشین گرانبه یا منزل هزار متری که بیش از نیاز یک خانواده می‌باشد. اما «تبذیر» به معنای ریخت و پاش کردن است؛ مثلاً غذای ده نفر را برای پنج نفر مهیا ساختن و برای هر عضوی از خانواده یک ماشین خریدن.

۱. فرهنگ عمید، ماده اسراف.

۲. المفردات لالفاظ القرآن، ماده بذر.

۳. ابراهیم (۱۴) آیه ۷.

۴. اعراف (۷) آیه ۳۱.

۵. همان، آیه ۸۱.

۶. غافر (۴۰) آیه ۴۳.

۷. یونس (۱۰) آیه ۸۳.

۸. زمر (۳۹) آیه ۵۳.

۹. اسراء (۱۷) آیه ۳۶.

۱۰. همان، آیه ۲۷.

نگارنده به مرحوم آیه‌الله فاضل لنکرانی(ره) عرض کردم: منزل شما کوچک است و مناسب نیست. بهتر است منزل مرحوم آقازاده را خریداری کنید. ایشان فرمودند: همین منزل کافی است و چنین کاری با توجه به وضع رقت‌بار طلاب یک نوع اسراف است. قرآن، اسراف در قتل و آدم‌کشی را نیز ناروا می‌داند و می‌فرماید: «کسی که مظلوم کشته شود برای ولی او سله‌ای قرار دادیم تا قصاص کند. ولی او نباید بیش از حق خود مطالبه کند و در قتل، اسراف و زیاده‌روی نماید.»<sup>۱۱</sup>

البته این آیه ممکن است از یک حقیقت کلی و قانون اجتماعی پرده بردارد که اگر در بحران‌های اجتماعی و کودتاهای نظامی و غیره، برای ایجاد آرامش، برخورد قهرآمیز لازم باشد باید به کم‌ترین نفرت بسنده کرد تا آرامش جامعه به هم نریزد: «**فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً**».<sup>۱۲</sup>

یاری خدا به حاکمان اسلامی در صورتی است که در قتل و آدم‌کشی و دستگیری، اسراف و زیاده‌روی نکنند. البته در حکومت‌های مشروع جز در ضرورت‌ها و مواردی که دشمنان پیش‌دستی کنند و دفاع از جان و کین ملت واجب باشد ظاهراً مجوزی برای قتل و انتقام وجود ندارد.

### اطعام در سوگواری‌ها

برخی گمان می‌کنند هزینه‌ای که نیکوکاران در سوگواری‌ها و بزرگداشت مراسم دینی هم‌چون موالید ائمه اطهار(ع) و اعیاد مذهبی انجام می‌دهند یک نوع اسراف و افراط در انفاق است، اما چنین نیست و این‌گونه مراسم در نهایت سادگی انجام می‌گیرد. به خصوص صاحبان مجالس مقیدند به شکلی ساده و به دور از تشریفات از میهمانان پذیرایی کنند. مضافاً این‌که انگیزه این نوع دعوت‌ها در راستای ترویج اسلام و فرهنگ اهل بیت(ع) و زدودن شهوات مخالفان دین صورت می‌گیرد و باعث احیای دین و سنت‌های الهی می‌شود.

هم‌چنین میهمانی‌هایی که در ماه مبارک رمضان یا در طول سال به عنوان ولیمه عقد و عروسی یا زیارت مکه و اعتاب مقدسه معمول است نه تنها اسراف نیست بلکه باعث پیوند محبت‌ها و کسب اجر عظیم و زاد و توشه‌ای برای سفر آخرت و مایه ازدیاد رزق و روزی است. رسول اکرم (ص) فرمود: هر میهمانی که بر خانواده‌ای وارد می‌شود رزق و روزی خود را به همراه خویش از آسمان می‌آورد. پس هنگامی که غذا می‌خورد خداوند متعال به برکت نزول میهمان، گناهان تمام اعضای صاحب خانه را می‌بخشد.<sup>۱۳</sup>

### اسراف در عروسی‌ها

متأسفانه در بعضی از جشن‌های عقد و عروسی اسراف و تبذیر فراوانی صورت می‌گیرد و بعضی خانواده‌ها برای رقابت با دیگران بسیار ریخت و پاش می‌کنند. انواع و اقسام غذاها، دسرها و میوه‌ها در چنین میهمانی‌هایی تهیه و متأسفانه بعضی از آن‌ها نیز به توصیه بهداشت دور ریخته می‌شود.

در صورتی که می‌شود بقایای غذای افراد سالم را به نیت «سُورِ مؤمن شفاست» در ظروف یکبار مصرف قرار داده به مستمندان یا پرندگان رسانید.

### اسراف در عمر، و اتلاف وقت

یکی از سرمایه‌های بزرگ انسان، سلامت و جوانی است که باید به جا مصرف گردد. در حدیث آمده است که در قیامت آدم‌ها را متوقف می‌کنند و در اولین عقبه آن از سه چیز سؤال می‌شود: اموال را از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی صرف کردی؟ نعمت جوانی را چگونه به پیری رساندی؟ از عمر گران‌مایه خود در چه کارهایی استفاده کردی؟<sup>۱۴</sup> بعضی از افراد بخش زیادی از عمرشان را با تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده و بی‌فایده تباه می‌کنند و برخی با تماشای مسابقات ورزشی و جمعی هم در طریق گناه و آلودگی دقایق زندگی را بر باد می‌دهند. ولی اشخاص هوش‌مند و متعهدی نیز هستند که در راه عبادت و خدمت به خلق، مطالعه و تحقیق، علم‌آموزی و انجام تکالیف فردی و اجتماعی از فرصت عمر بهره می‌برند.

گوهر عمر بدین خیرگی از دست مده آخر این عمر گران‌مایه بهایی دارد

### زیاده‌روی در ستایش و انتقاد

در مدح و ستایش از افراد و شخصیت‌های سیاسی و علمی نیز نباید از حد مشروع و معقول تجاوز کرد و راه افراط و تفریط را پیش گرفت. قرآن می‌فرماید: «**لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا**»<sup>۱۵</sup> کسانی که از کارهای زشت خود شادمانند و دوست دارند به کارهایی که انجام نداده‌اند ستایش شوند، فکر نکنند این امور باعث نجات آن‌ها از دوزخ است.»  
مقداد می‌گوید: «**امرنا رسول الله (ص) ان نحثوا فی وجوه المداحین، التراب**»<sup>۱۶</sup> پیامبر دستور داد خاک به صورت ستایش‌گران پاشیم.»

به قدری این موضوع نهادینه شده بود که وقتی کسی از عثمان (خلیفه سوم) تعریف کرد، مقداد یک مشت خاک برداشت و به صورت او پاشید.<sup>۱۷</sup>

۱۱. همان، آیه ۳۳.

۱۲. همان.

۱۳. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۱۷.

۱۴. کافی، ج ۲، ص ۱۳۵ و تاریخ یعقوبی، ص ۵۴.

۱۵. آل عمران (۳) آیه ۱۸۸.

۱۶. میزان الحکمه، ج ۹، ص ۸۱.

۱۷. همان.

روایات بسیاری از رسول خدا (ص) رسیده است که شخصی در محضر رسول خدا (ص) از برادر دینی خود تعریف کرد. پیامبر (ص) فرمود: با این تعریف، گردن رفیق را قطع کردی. سپس فرمودند: اگر ناگزیر از مدح و ثناء شخصی هستی بگویند: من فلانی را دوست دارم ولی او را تزکیه نمی‌کنم.<sup>۱۸</sup>

حضرت علی (ع) فرمود: «**من مدحك فقد ذبحك**؛<sup>۱۹</sup> کسی که تو را ستایش و تعریف کند گویا تو را ذبح کرده است». هم‌چنین فرمود: «**اکبر الحمق الاغراق فی المدح و الذم**؛<sup>۲۰</sup> بزرگ‌ترین حماقت، مبالغه و افراط در ستایش دیگران است.» و نیز فرمود: بدترین حالات زمامداران در پیش‌گاه بندگان صالح این است که گمان برند آنان مداحی را دوست می‌دارند و امور کشور را بر اساس تکبر و خودپسندی اداره می‌کنند.<sup>۲۱</sup> رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) از ستایش، سخت‌گیران بودند، حتی امام علی (ع) ثناگویی به زمامداران را از آفات ریاست در دین می‌داند.<sup>۲۲</sup>

بعضی از عناصری که به دلیل احساس حقارت یا مفتون قدرت شدن یا طمع در مال و منال و یا اسراف در ارادت، به مداحی و دست‌بوسی مظاهر قدرت و ثروت و علم و اخلاق بسنده نکرده و پای مراد خود را می‌بوسند و برخی دیگر از افراد که در مذمت و بدگویی شخصیت‌های محترم آن‌چنان افراط کرده که برای خشنودی مخلوق، عرشیان را به گمان خود به فرش می‌زنند و فرشیان را به عرش می‌رسانند، این افراط و تفریط‌ها زاده جهل و حماقت و ضعف دینی است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «**لا تری الجاهل الا مفرطا او مفرطا**؛<sup>۲۳</sup> آدم جاهل را در زندگی یا تندر و یا کندرو می‌بینی.» آدم احق همواره گرفتار افراط و تفریط است. امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود به نام علی بن مزید که دست او را بوسید فرمود: می‌دانی دست‌بوسی درست نیست، تنها دست پیغمبر و یا وصی او بوسیده می‌شود و بس.<sup>۲۴</sup> شاید به همین دلیل است که بعضی از مراجع تقلید از جمله آیه الله سیستانی (دامت برکاته) از بوسیدن دستشان دریغ می‌دارند و بعضی دیگر مانند امام راحل (ره) اجازه مداحی و ستایش نمی‌دادند و در راه انجام وظیفه از هیچ‌گونه ملامت و سرزنشی باکی نداشتند.

### ضرورت قناعت در دولت

یکی از مصادیق مهم قناعت، نهادینه کردن الگوی مصرف در ساختار نظام است؛ بدین معنا که مسئولان نظام بیش‌تر از دیگران باید به الگوی مصرف بها دهند، اما متأسفانه بخش قابل توجهی از اسراف و تبذیرها مربوط به بخشی از کارگزاران دولت است. برای عینیت بخشیدن به این مهم، دولت‌مردان و نمایندگان مجلس باید سفرهای خارجی و داخلی خود را به حداقل برسانند و از بردن همراهان غیر ضروری خودداری کنند، چرا که این‌گونه مسافرت‌ها نیز یک نوع اسراف و تبذیر می‌باشد. حتی اموال بیت‌المال را بدون مجوز قانونی نیز نباید به نهادهای خاصی عطا کرد. صادرات و واردات نیز باید در حد معقول و معتدل صورت گیرد. ما اگر گندم و برنج و حبوبات را بیش از حد از خارج وارد کنیم کمر کشاورزان خود را شکسته‌ایم و بی‌شک واردات و صادرات بی‌رویه، خیانت به ملت محسوب می‌شود.

سردبیر

\* \* \*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۸. همان، ج ۹، ص ۸۲.  
۱۹. همان، ص ۸۳.  
۲۰. همان، ص ۸۵.  
۲۱. همان و نهج البلاغه، خطبة ۲۱۶.  
۲۲. همان، ص ۲۱۶.  
۲۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.  
۲۴. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۶۶ و بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۹.